بررسی سندی روایت سی و دوم

جلالت شیخ صدوق رحمه الله

> **«حدثنا أبي، وعبد الواحد بن محمد بن عبدوس العطار رحمهما اللّه ، قال : حدثنا علي بن محمد بن قتيبة، عن الفضل بن شاذان، عن محمد بن أبي عمير، قال : دخلت على سيدي موسى بن جعفر عليه‌السلام، فقلت له: يا ابن رسول اللّه علمني التوحيد فقال: يا أبا أحمد لا تتجاوز في التوحيد ما ذكره اللّه تعالى ذكره في كتابه فتهلك...»**
>
> **[1].**

این روایت با این سند به فضل بن شاذان بر می‌گردد. ایشان نیشابور بوده‌اند. فضل بن شاذان، شاگرد ملازمی دارند به نام علی بن محمد بن قتیبه. تلمیذ خاص ایشان بوده است. عبد الواحد بن محمد بن عبدوس ظاهراً از محدثینی بوده که در خود نیشابور ساکن بوده و احادیث زیادی از شاگرد فضل بن شاذان روایت کرده است. لذا رمز اینکه این حدیث در کافی و در جاهای دیگر نیست و تنها در توحید صدوق آمده است، مسافرت شیخ صدوق است. یعنی در احوالات شیخ صدوق؛ محمد بن علی بن بابویه که در شاه بعدالعظیم مدفون هستند و به آن قسمت از شهر ری، ابن بابویه می‌گویند [که زیاد مسافرت کرده‌اند] و حال اینکه ابن بابویه یعنی علی بن بابویه که در قم جنب مدرسه مرحوم آقای گلپایگانی مدفون هستند، پدر ایشان است. ایشان هم در این روایت فرموده‌اند: «حدثنا ابی»؛ پدر ایشان از بزرگان رواة هستند؛ علی بن بابویه. علی بن حسین بن موسی بن بابویه. بعضی‌ها ابوُیه می‌گویند. خود پدر جلیل هستند. با انحاء مقدسه، مکاتبات هم داشته‌اند؛ توقیع دارند. معروف است که از محضر حضرت عجّل اللّه تعالی فرجه الشریف خواستند که خداوند ذریه صالح و عالم به ایشان بدهد. حضرت عجّل اللّه تعالی فرجه الشریف هم فرمودند: دعایت کردیم و مستجاب شده است. خداوند دو پسری که اهل فضل بودند به ایشان عنایت کرد. ظاهراً دو تا توقیع دارند. ولی خب، محمد بن علی معروف شدند. خود شیخ صدوق فرموده‌اند همینجا در قم در حضور در درس خیلی جدی بودم. استادی داشتیم؛ خب، وقتی سر وقت حاضر شود آنها می‌فهمند. کسانی که دنبال کار هستند را می‌فهمند. می‌گفتند این آقا خیلی در درس جدی است. کاملاً می‌فهمند. به نظرم شیخ صدوق در کمال الدین فرموده است. فرموده من که جوان بودم و در قم در درس استاد خیلی جدی شرکت می‌کردم، خود آن استاد ای کسی دیگری که می‌آمد به من نگاه می‌کرد و می‌گفت خیلی دور نیست که تو اینطور جدی باشی و درحالیکه استجابت دعوت صاحب الزمان داری. یعنی پدر شما از حضرت خواستند که دعا کنند تا خداوند به ایشان ذریه

فاضل و عالم بدهد، وقتی به دعای حضرت عجل اللّه تعالی فرجه الشریف به دنیا آمدی معلوم است که باید اینطور باشی. این را محمد بن علی -پسر- می‌گویند. یعنی قبل از اینکه شیخ صدوق به دنیا بیایند، در محیط پدر -علی بن بابویه- معروف بوده که ایشان مکاتبه کرده و توقیعی آمده و حضرت برایش دعا کرده‌اند و اهل قم و اهل فضل می‌دانستند که صدوق و برادرش از دعای حضرت عجل اللّه تعالی فرجه الشریف به دنیا آمده‌اند. این را خود شیخ صدوق می‌گویند.

منظور اینکه خود محمد بن علی که در ری هستند، می‌گوید: «حدثنا ابی»؛ که علی بن بابویه که مزارش در قم است. از کراماتی هم که برای نایب چهارم هست - به نظرم در کتاب الغیبة شیخ الطائفه باشد - از کرامات نائب چهارم علی بن محمد سمری می‌آورند. البته نیابت ایشان خیلی طولانی نبوده است. توقیع معروفی هم که آمده است، مشاهده نمی‌شود - «الا فمن ادعی المشاهدة قبل خروج السفیانی و الصیحة فهو کاذب مفتر»- برای همین نایب چهارم آمده است. اول توقیع دارد: «یا عَلِيَّ بْنَ مُحَمَّدٍ السَّمُرِيَّ أَعْظَمَ اللَّهُ أَجْرَ إِخْوَانِكَ فِيكَ فَإِنَّكَ مَيِّتٌ مَا بَيْنَكَ وَ بَيْنَ سِتَّةِ أَيَّامٍ»

[2]. ولی در یک سال بوده است. یعنی وفات خود علی بن محمد سیصد و بیست و نه بوده است، در همان سیصد و بیست و نه که مرحوم کلینی هم وفات کرده است -که سنة تناثر النجوم می‌گویند؛ یعنی بسیاری از علماء، در آن سال وفات کردند - علی بن بابویه پدر شیخ صدوق که در قم بودند هم در همین سال سیصد و بیست و نه وفات کردند. ولی ظاهراً فاصله کم بوده است. در کرامات علی بن محمد سیمری گفته‌اند، ایشان در بغداد نشسته بود و یک دفعه گفت رحم اللّه علی بن بابویه! گفتند علی بن بابویه در قم است و حیّ است! نمی‌دانم جواب داد ای یک بار دیگر تکرار کرد. بعد با فاصله‌ای خبر آمد که همان وقتی که علی بن محمد سیمری در بغداد گفته بود «رحم اللّه علی بن بابویه»، ایشان در قم وفات کرده است. البته اقوال دیگر و شذوذات هم هست. ولی آنچه که معروف است و در حافظه من است، همین است.

---

[1] التوّحيد نویسنده : الشيخ الصدوق جلد : ۱ صفحه : ۷۶

[2] الغيبة (للطوسی) , جلد۱ , صفحه۳۹۵

بازبینی #2
ایجاد شده 7 مه 2026 13:18:49 توسط ... .
به روزرسانی شده 7 مه 2026 13:23:18 توسط ... .